

با ذکر مقدمات کلی که در صفحات قبل درج شد باید در نتیجه از مقدمه نظر گرفت که بشر در هر جا مجتمع گردید و هر قدر بتدریج از تشکیل عائله پا فراتر گذاشته و قوم و قبیله و ملتی تشکیل داد متناسب مقتضیات محیط و اندازه احتیاجات خود با رعایت آداب و عادات و اخلاق جامعه برای اینکه از آزادی فردی بزیان دیگران حتی الامکان جلوگیری کند بسلیقه خود (خواه اساساً به نظر دیگری خوب نیاید یا بیاید) قواعد و قوانینی وضع نمود که تکلیف افراد را در مقابل یکدیگر تعیین کرده باشد و چون هر بشری برای سود خود بزیان دیگران اهمیتی نمیداد و صرفاً وعظ و پند و اندرز و قانون و حتی دین کافی برای جلوگیری از شره و آزار جنس دو پا نبود ناچار مقننین هر قومی هر عملی را که بد تشخیص دادند جرم دانسته و در خور هر جرمی هم بسلیقه خود مجازاتی تعیین نمودند و البته جرم شناخته شدن این اعمال بسته بسلیقه و عادات و آداب هر قومی بود و هر قومی بمقتضیات و سلیقه خود عملی را مستحسن و عمل دیگری را جرم شناخت گویانکه قوم دیگر برخلاف آن قوم عمل مستحسن شمرده دیگری را جرم و بر عکس عمل جرم شناخته شده آنرا مستحسن دانست.

بنا بمراتب مذکور هر قوم و ملتی دارای قانون مجازات جداگانه و مستقلی گردید که البته بقدر قدرتی که داشتند در هر عصری هر ملتی قانون خود را مجرا (۱) میساخت و در هر ملت مخصوصه باینجهت قوانین جزائی متفاوتی در سراسر دنیا پس از تشکیل ملتها پدیدار گردید ولی هر قدر طرق ارتباطیه بین ملل گشاده تر و سهل تر و روابط ملل در اثر آن با یکدیگر بیشتر میشد بدیهی است برای اینکه آمیزش بیشتر اتفاق نظر بیشتری لازم داشت رفته رفته قوانین جزائی ملل همجوار بیکیدیگر نزدیکتر میگردد تا اینکه در عصر حاضر

۱ - رسم الخط قدیم مجری یا با است ولی چون با مجری به ضم میم و کسریا و مجری بکسر میم و را که هر یک معنی مستقلی دارند مشتبه میشود و در تلفظ با الف نوشته میشود بهتر میدانم که مثل بالا با الف نوشته شود.

که کثرت آلات ناقله و سرعت آنها مسافات را تقریباً از بین برده و کلیه سکنة زمین را باهم مربوط کرده است بهر اندازه‌ای که این ارتباط پیش رفت ناگزیر قوانین مجازات اقوام و ملل نیز نسبت بیکدیگر تعدیل گردید و درجهه واحدهی سیر نمود تا اینکه امروز با اینکه باز در هر ملتی تشخیص جرم و کیفیت مجازات با ملل دیگر اندک فرقی دارد بموجب قانون تکامل با شتاب هر چه تعامتر رو به یگانگی می‌رود ولی یا اینکه اختلافات قوانین جزائی دنیا روز بروز کمتر میشود باز هم هنوز مابین ملل در تشخیص جرم و کیفیت مجازات اختلاف بسیاری باقیست و بنا براین هر ملتی دارای قانون مجازات مخصوصه بخود میباشد و لذا هر ملتی باید بقانون مجازات ملت خود آشنا باشد و بهمین مناسبت هم هر قانون جدیدی که در هر مملکتی وضع میشود قبل از اجرا (۱) بوسیله آگهیها با اطلاع عموم میرسد زیرا که مجرم حقیقتاً وقتی مجرم شناخته میشود و باید او را مجازات کرد که از نتیجه عمل خود واقف باشد و بداند که کدام عمل روا و کدام نارواست که از اعمال ناروای خرد جلوگیری نماید .

رعایت این نکته بقدری در تمام ملل میشود که هر گاه ملتی بر ملت دیگر غالب شود و مملکت دیگر برایشغال کند مادامیکه نتوانسته است ملت مغلوب را در خود مستحیل کند ناچار است در امور قضائی باملت مغلوب طبق قانون قضائی همان ملت رفتار نماید زیرا بدیهی است هر ملتی به قوانین خود آشنا میباشد و از قوانین دیگران اطلاعی ندارد و حقاً نمیتوان یکی را از عملیکه بدی آنرا نمیداند مجازات و حتی ملامت نمود .

بنا بر مراتب مذکوره بر افراد هر ملتی واجب است که قانون مجازات ملت خود را بدانند تا بتواند اعمال خود را با قوانین موضوعه ملت خود تطبیق و منافع خود را محفوظ داشته از مخاطرات محتمله برکنار بماند

۱ - رسم الخط قدیم اجرا (اجری) است ولی چون در تلفظ با الف میخوانیم بهتر است با

الف نوشته شود .